



انترناسیونال ۲۶۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۵ مهر ۱۳۸۷، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

تمام سران جمهوری اسلامی تروریست اند

سخنرانی فروغ ارغوان، کادر حزب در مقابل سازمان ملل در نیویورک

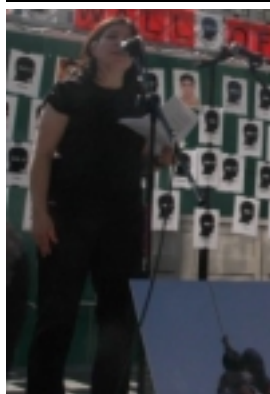
در اعتراض به حضور احمدی نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل

کمیته بین المللی علیه سنگسار
در سال ۲۰۰۰ تاسیس شد. هف این
کمیته مبارزه علیه حکم و اجرای
سنگسار در هر کشور و همچنین به

صفحه ۳

المللی علیه سنگسار با شما صحبت
میکنم. ابتدا مرور کوتاهی بر
سنگسار بعنوان پدیده ای بسیار ضد
انسانی و وحشیانه که در نظام
جمهوری اسلامی بصورت قانونی به
مورد اجرا در میآید، خواهم داشت.

خانمها و آقایان،
با تشکر از نازنین وسازمانشون برای
تظاهراتی که علیه احمدی نژاد
("دیوار شرم علیه احمدی نژاد")
سازمان داده اند.
من به نمایندگی از طرف کمیته بین



فروغ ارغوان در حال سخنرانی



گوشه ای از تظاهرات حزب در مقابل سازمان ملل

اعتراض به حضور احمدی نژاد در نیویورک

صفحه ۵

گفتگو با بابک یزدی دبیر تشکیلات شرق کانادا

صفحه ۵

لیست هشتم: جمع اسپانسورهای کانال جدید ...

سفر احمدی نژاد
به آمریکا
بازگشایی مدارس،
خرافات ممنوع

در حاشیه رویدادها
هامحمد رضا پویا

صفحه ۸

اعتصاب همزمان کارگران

سه مرکز کارگری

صفحه ۳

صدای مردم در کانال جدید

صفحه ۶

بحران وال استریت

و ضرورت بازگشت به مارکسی!



حمید تقوایی

بحران مالی آمریکا با رکود کامل
بازار خانه سازی و وام مسکن،
ورشکستگی چند بانک و موسسه
بزرگ مالی (از جمله بانک برادران
لمان و موسسه مری لینچ) و رو به
ورشکستگی رفتن چندین بانک و
شرکت بیمه و موسسات عظیم
اعتباری دیگر با صدها میلیارد
دلار سرمایه به نقطه اوج خود رسیده
است. همه مقامات به دست و پا
افتاده اند. کنگره جلسات فوق العاده
با وزیر خزانه داری و رئیس بانک
مرکزی آمریکا برگزار میکنند، جان
مککین، کاندیدای ریاست جمهوری
حزب جمهوریخواه، کمپین انتخاباتی
خود را موقتاً تعطیل میکند تا روی
مساله بحران اقتصادی متمرکز شود
و جرج بوش در پیام تلویزیونی به
مردم آمریکا اعلام میکند: "کل
اقتصاد در خطر است" و اگر دولت
اقدامات اضطراری انجام ندهد
اقتصاد آمریکا با یک رکود دردناک و
طولانی روبرو خواهد شد!

جیب ما مالیات دهندگان پرداخت
شود؟ چرا قربانیان طوفان کاترینا
شامل این الطاف دولتی نشدند؟ چرا
صدها هزار خانواده ای که بدنبال
بحران شرکتهای وام مسکن خانه
هایشان را از دست داده اند کمکی
دریافت نمیکند؟ و دهها سؤال به
حق دیگری که طراحان "نجات ملی"
پاسخی برای آن ندارند. و این
نارضایتی عمومی در آستانه
انتخابات نمایندگان هر دو حزب
حکومتی را در برخورد به طرح نجات
ملی بوش محتاط و دست به عصا
کرده است. سؤال اصلی مردم این
است که ریشه مساله کجاست و برای
حل آن چه باید کرد؟ سئوالی که
هیچیک از مقامات و مسئولین و
کارشناسان اقتصادی و اجتماعی در
هیات حاکمه و یا در اپوزیسیون،
پاسخی برای آن ندارند.
برای حل مسله ابتدا باید خود
مساله را به درستی شناخت. روشن
است که گرچه چشم طوفان وال
استریت است اما این طوفان
بهیچوجه نه صرفاً آمریکائی است و

صفحه ۲

راه حل پیشنهادی دولت کمک
هفتصد میلیارد دلاری به بانکها و
موسسات اعتباری در حال
ورشکستگی از طریق خرید اموال و
دارائی های آنها است. این طرح که
آنرا "طرح نجات ملی" میخوانند، با
استقبال چندانی از جانب نمایندگان
کنگره، حتی نمایندگان حزب حاکم
یعنی جمهوریخواهان، روبرو نشده
است. همه میدانند که مردم این
داری تلخ را براحتی سر نمیکنند.
سؤال مردم اینست که چرا ضرر
شرکتهای مالی میلیاردی که خود
مسئول این وضعیت بوده اند باید از

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ بحران وال استریت ...

نه به بخش مالی محدود می‌شود. این را کارشناسان اقتصادی در آمریکا و در جهان بخوبی میدانند و اعتراف می‌کنند. بوش در مورد خطر رکود "کل اقتصاد" هشدار میدهد و رئیس صندوق بین‌المللی پول اعلام می‌کند که بحران مالی یک مساله جهانی است و تا کنون یک و ۳ تریلیون دلار (۱۳۰۰ میلیارد دلار) خسارت ببار آورده است! و در منطق سرمایه و دولتهایشان البته این خسارت باید از جیب مردم جبران شود! بحران وال استریت ادامه بحران سوخت و گرانی سرسام آور مواد غذایی و خطر قطعی است که چند ماه پیش بانک جهانی هشدار داد ممکن است به شورش گرسنگان در بیش از سی کشور جهان منجر شود. اکنون کارگران و توده مردم محروم در یکی از پیشرفته‌ترین جوامع صنعتی دنیا نیز خود را در کنار و هم سرنوشت با گرسنگان جوامع غیر صنعتی می‌یابند.

نکته دیگر اینست که شکل بروز این بحران مالی و اعتباری است اما ریشه آن در تناقض پایه‌ایست که در سودآوری و انباشت تولید سرمایه داری نهفته است. تولید سرمایه با رشد تکنیک و تکنولوژی تولید (که انقلاب الکترونیک در اوایل دهه نود آخرین بروز آن بود) از یکسو بر تولید انبوه کالاها می‌افزاید و از سوی دیگر با افزایش بخش ثابت سرمایه نسبت به بخش متغیر، یعنی نیروی کار کارگر که تنها منشا سود است، نرخ سود را کاهش می‌دهد. پرداخت اعتبار و وام به تولید کنندگان و مصرف کنندگان، که یک جزء مهم اقتصاد سرمایه داری در عصر ما است، در واقع لازم شده‌اند تا مرهم این درد لاعلاج کاهش نرخ سود باشند. اما نمیتوانند مساله را از ریشه حل کنند، و مانند مسکنی که عوارض جانبی بیشماری دارد، خود در نهایت به تورم و گرانی و بی‌کاری بیشتر منجر میشوند. گرانی مواد غذایی و مواد سوختی در چند ماهه اخیر و بی‌کاریهای گسترده (تنها در آمریکا بیش از ششصد هزار نفر از ژانویه تا امروز بیکار شده‌اند و نرخ و شتاب بی‌کاری رو به افزایش است) از جمله این عوارض است که بروشنی نشان میدهد بحران جاری صرفاً به بخش مالی مربوط نیست بلکه ذاتی تولید سرمایه داری و نتیجه تناقض

بنیادی است که مارکس آنرا گرایش نزولی نرخ سود مینامد و در کتاب کاپیتال با دقت ریاضی رابطه آنرا با بحرانهای ادواری سرمایه داری نشان میدهد.

هیچ چیز طبیعی‌تر از این نیست که در عصر تسلط جهانی سرمایه های مالی و موسساتی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی این تناقض ذاتی سرمایه در وهله اول خود را به شکل بحران مالی نشان بدهد و قبل از همه ورشکستگی بانکها و موسسات اعتباری سوت خطر را برای طبقه حاکمه به صدا درآورند. و اینهم کاملاً طبیعی است که سیاستمداران و کارشناسان و رسانه های جمعی طبقه سرمایه دار برای "توضیح" مساله به هذیان گوئی بیفتند و آسمان را به ریسمان بیاوند تا مردمی را که قرار است از جیب آنها و به قیمت بی‌کاری و خانه خرابی هر چه بیشتر آنها بحران حل شود به تسلیم و تمکین وادار کنند. اگر هذیان نگویند چه بگویند؟! در اوج سلطه نظریات نئو کنسرواتیستی در آمریکا و در همه جوامع سرمایه داری، دایر بر واگذار کردن همه چیز به مکانیسم بازار آزاد، عدم دخالت دولت، زدن از خدمت دولتی و حذف سوسیدها و آزاد گذاشتن قیمتتها و دستمزدها، در دوره "درگولمه" کردن (مقررات زدانی) اقتصاد و اصل طلائی عدم دخالت دولت در اقتصاد و غیره و غیره ناگهان معلوم میشود دست نامرئی بازار فلج شده است و دولت باید به کمک بشتابید! ناگهان معلوم میشود بدون کمک دولتی و بدون هزینه کردن میلیاردها دلار از جیب مردم بازار با سر به زمین می‌خورد! بوش در نطق خود خطاب به مردم میگوید "من خود از معتقدان به اقتصاد آزاد هستم، بنا بر این طبیعتاً با دخالت دولت در اقتصاد کشور مخالفم. اما شرایط کنونی عادی نیست! بازار کارکرد درستی ندارد و عده زیادی اعتماد به نفس خود را از دست داده‌اند." اما چرا "بازار کارکرد درستی ندارد؟" دقیقاً همین سوال است که نمایندگان و مدافعان سرمایه داری جوابی برای آن ندارند.

حقیقت آنست که تا آنجا که به منافع توده کارگر و مردم عادی مربوط میشود بازار آزاد هیچوقت

"کارکرد درستی" نداشته است. این حقیقت نه تنها برای گرسنگان عاصی در بیش از سی کشور غیر صنعتی جهان بلکه برای مردم طوفان زده در کارولینای شمالی و نیواورلئان در خود آمریکا مثل روز روشن است. تراژدی مضحکی است! از نظر دولت، و کل دستگاه حکومتی از رسانه ها تا متفکران و کارشناسان مدافع سرمایه داری در آمریکا، رها کردن صد ها هزار قربانی سوانح طبیعی در چنگال فقر و آوارگی، بی‌کاری بیش از ششصد هزار نفر در عرض هشت ماه اخیر، و بیخانمان شدن صدها هزار خانواده در اثر بحران مسکن، هیچیک از این ها نشانه "کارکرد نادرست" بازار آزاد نیست! در همه این موارد گذاشتند دست نامرئی بازار مردم را به خاک سیاه نشانند! اما نوبت که به بانکها و وال استریت رسید، اصل طلائی عدم دخالت دولت کنار گذاشته شد و معلوم شد باید به کمک کمپانیهای مالی شتافت! بوش و مک کین و اوباما و کنگره و سنای آمریکا بهرهمه خیل رسانه های مهندسی افکار و کارشناسان ریز و درشت اقتصادی به خط شده‌اند که این تناقض را برای مردم توضیح بدهند! و این کار بسیار مشکلی است!

بحران اخیر این حقیقت را به عیان جلوی چشم مردم قرار میدهد که دولت آمریکا نماینده وال استریت است و نه مردم! معضل دولت ورشکستگی کمپانیها است و نه فلاکت قربانیان این کمپانیها. زنی که بدنبال بحران مسکن خانه خود را از دست داده بود از کارشناس اقتصادی تلویزیون سی. ان. ان. می پرسید: چرا دولت میخواهد به کسانی که ما را خانه خراب کرده‌اند جایزه بدهد؟! بحران وال استریت یکبار دیگر ماهیت طبقاتی دولت آمریکا را عیان میکند و بی‌پرده به همه نشان میدهد اما برای برملا شدن پوچی ادعای "عدم دخالت دولت در اقتصاد" لازم نبود منتظر بحران وال استریت بنشینیم. تز عدم دخالت دولت نظریه عوامفریبانه‌ای است که قرار است دخالت یکجانبه دولت تنها به نفع یک بخش از جامعه، یعنی اقلیت سرمایه دار، را پرده پوشی کند. نئوکسرواتیستها این تز را در برابر مدل دولت رفاه و تعهد در قبال حداقلی از رفاه اجتماعی - رفهمائی که در طول قرن گذشته و مشخصاً بعد از انقلاب اکتبر جنبش

کارگری و مبارزات بخشهای محروم جامعه به سرمایه داری تحمیل کرده بود - مطرح کردند. و معنی واقعی این نظریه خلع مسئولیت از دولت سرمایه داری در قبال مردم است و نه در قبال طبقه خودش. تنها نمونه جنگ عراق کافی است نشان بدهد که دولت طرفدار عدم دخالت در اقتصاد با چه جدیتی مشغول دخالت در اقتصاد به نفع طبقه خودش بوده است. از نظر اقتصادی جنگ عراق برای سرمایه داری آمریکا مانده آسمانی بود. دولت از جیب مالیات دهندگان بیش از ۳ تریلیون (سه هزار میلیارد) دلار خرج این جنگ کرده است. بخش عمده ای از این پول به کمپانیهای پرداخت شده که از تامین اسلحه و امور لجستیکی تا امور امنیتی و صنعت انفورماتیک و جمع آوری اطلاعات و ضد اطلاعات (در عراق و در خود آمریکا) و تا بازسازی مناطق جنگزده و استخراج نفت و دیگر منابع عراق را از دولت به مقاطعه گرفته‌اند. سود این کمپانیها از قبل جنگ سر به صد ها میلیارد دلار میزند. جنگی که هزینه اش از جیب مردم آمریکا و عراق تامین میشود و سودش به جیب کمپانیهای میلیاردی میرود! این جنگ در واقع کمک ۳ تریلیون دلاری دولت آمریکا به طبقه سرمایه دار آمریکا و نمونه بارز دخالت دولت در اقتصاد به نفع سرمایه داران است. جنگ را به زور یازده سپتامبر و پرچم و وطن پرستی و ناسیونالیسم به مردم فروختند و حالا نوبت تحمیل طرح هفتصد میلیاردی "نجات ملی" وال استریت به مردم است!

جنگ عراق ورشکستگی سیاسی نئوکسرواتیسم را اعلام کرد و بحران وال استریت اعلام ورشکستگی اقتصادی این دکتربین است. نظریه‌ای که پرچم آنرا مارگارت تاچر بلند کرد و بعد از فروپاشی شوروی و بویژه در دوره ریاست جمهوری بوش به اوج قدرت و یکه تازی خود در سطح جهانی رسید اکنون آخرین نفسهای خود را میکشد. اما بحران اقتصاد جهانی تنها بحران نئوکسرواتیسم نیست. ویژگی و "جرم" نئوکسرواتیسم تنها این است که صریح و بی‌پرده پوشی منافع سرمایه داری عصر ما را نمایندگی میکنند. نمایندگان خوش ظاهر تر سرمایه از

دموکراتها در آمریکا تا لیبرالهای کلاسیک و دیگر احزاب چپ بورژوازی در اروپا و دیگر کشورهای جهان همه در انکار خصلت بحران ساز سرمایه و دفاع از سیستم سرمایه داری با نئوکسرواتیسم شریک‌اند. و همه دارند خود را آماده میکنند که امور را از دوستان افراطیشان تحویل بگیرند. اما تا زمانی که سودآوری محور و اساس نظم اقتصادی است در به همین پاشنه خواهد چرخید. بحران اقتصادی همزاد نظام سرمایه است.

ده سال قبل، بدنبال بحران مالی روسیه در ۱۹۹۸ و فروپاشی بازار در آسیای جنوبشرقی و هراس و سراسیمگی بازار در سراسر جهان، فاینانشینال تایمز در مقاله ای تحت عنوان "رجعت به مارکس" این سوال را طرح کرد که آیا "از زمان پیروزی سرمایه جهانی" بر بلوک شوروی در ظرف کمتر از دهسال به دوره بحران سرمایه جهانی رسیده ایم؟! امروز پاسخ این سوال روشن است. در هیچ دوره ای نظیر دودهده اخیر سرمایه داری چنین بی ثبات و بحرانزده نبوده و حقانیت نظرات مارکس را چنین شفاف و انکار ناپذیر به اثبات نرسانده است.

در همان سال ۱۹۹۸ جرج سوروس، یک سرمایه دار میلیاردی واقع بین، که بخاطر بحران آن زمان در روسیه و آسیا مورد سرزنش قرار گرفته بود، در کتاب "بحران سرمایه داری جهانی" اخطار میکند که غریزه گله ای صاحبان سرمایه قبل از آنکه همه را زیر پای خود له کنند باید کنترل شود. وی میگوید: "سیستم سرمایه داری بطور خودبخودی هیچ گرایشی به تعادل از خود نشان نمیدهد. صاحبان سرمایه تلاش میکنند سود خود را به ماگزیم برسانند و با استفاده از امکاناتی که در اختیار خود دارند آنقدر انباشت میکنند تا سیستم نامتعادل شود. مارکس و انگلس ۱۵۰ سال قبل تحلیل بسیار خوبی از سرمایه داری بدست دادند. باید بگویم در در جنبه هائی بهتر از تئوری تعادل اقتصاد کلاسیک...."

به این حرفهای این سرمایه صفحه ۴

اعتصاب همزمان کارگران سه مرکز کارگری

طبق گزارشی که بهروز درخشان خبرنگار حزب کمونیست کارگری برای ما ارسال کرده است، کارگران کارخانه های نیشکر هفت تپه و کاغذسازی پارس در خوزستان و اکتشافات نفت فلور در کازرون دست به اعتصاب زدند.

نیشکر هفت تپه

صبح روز چهارشنبه سوم مهرماه بیش از هزار تن از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به احضار دو نفر از همکاران خود فریدون نیکوفر و بهروز نیکوفر به دادگستری شهرستان شوش و در حمایت از اعتصاب کارگران شرکت

کاغذ پارس هفت تپه و خواست دو ماه حقوق و مزایای معوقه خود دست به اعتصاب زدند و در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. بنا به این گزارش، فریدون نیکوفر و بهروز نیکوفر برای روز ۴ مهر به اتهام ارتباط با سازمانهای مخالف رژیم به دادگاه احضار شده اند. اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد.

کاغذسازی پارس هفت تپه

روز سوم مهرماه حدود ۸۰۰ نفر از کارگران شرکت کاغذ سازی پارس هفت تپه در اعتراض به اعلام تعطیلی این شرکت به مدت دو ماه و عدم پرداخت حقوق سه ماه خود در

مقابل فرمانداری شهرستان شوش تجمع کردند. کارگران که هیچ پاسخی از مقامات مسئول نگرفتند تصمیم به بستن جاده اهواز- اندیشک گرفته و جاده را بستند. همزمان تعداد دیگری از کارگران، جاده ویژه رفت و آمد از هفت تپه به شرکت های نیشکر، کاغذ سازی و حریر خوزستان را مسدود کردند.

اکتشافات نفت فلور

کارگران اکتشافات نفت فلور کازرون ۴ ماه است حقوق نگرفته اند. دو ماه قبل با اعتصاب خود موفق شدند حقوق ماههای بهمن، اسفند و

فروردین را از حلقوم کارفرما بیرون کشند. اما کارگران برای دریافت حقوق ماههای اردیبهشت به بعد دست به اعتصاب زدند. روز سه شنبه مامورین انتظامی چند کارگر را دستگیر کردند اما در مقابل اعتراض کارگران مجبور به آزادی آنها شدند. کارگران با تداوم اعتصاب خود این بار نیز موفق شدند حقوق دو ماه دیگر را وصول کنند. اعتصاب و اعتراض کارگران اکتشافات برای دریافت حقوق ماههای تیر، مرداد و شهریور ادامه دارد. کارگران یک روز اعتصاب میکنند و روز بعد مشغول کار میشوند. در این شرکت قراردادهای موقت و یکماهه است و سطح حقوق کارگران در ازای ۱۲ ساعت کار،

از ۶ صبح تا ۶ عصر، بین ۱۸۰ هزار تا نهایتاً ۳۵۰ هزار تومان در ماه میباشد.

حزب کمونیست کارگری از مبارزه کارگران این مراکز قاطعانه دفاع میکند و از کارگران سایر مراکز کارگری میخواهد به هر شکل که میتوانند از آنها پشتیبانی کنند. حزب از کارگران میخواهد اخبار مبارزه خود را مرتباً و با جزئیات به کانال جدید ارسال کنند که به اطلاع عموم برسد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مهر ۱۳۸۷، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸



از صفحه ۱ تمام سران جمهوری اسلامی ...

چالش کشیدن و مبارزه برای براندازی قانون سنگسار در جوامع اسلامی است. اعدام از طریق سنگسار يك مجازات نفرت آور و بیرحمانه ایست که علیه زنان و مردان "زناکار" و بر اساس قوانین مجازات اسلامی اعمال و به مورد اجرا در می آید. سنگسار یعنی اعدام توأم با شکنجه، بدترین، غیر انسانی ترین و وحشتناک ترین شکل اعدام است. بر اساس بند ۸۳ قانون مجازات جمهوری اسلامی، زن و مرد "زناکار" و یا "متخلف" مورد ۱۰۰ ضربه شلاق قرار میگیرند و متعاقب آن سنگسار میشوند. بر اساس بند ۱۰۴ قانون مجازات ج اسلامی، "سنگها نباید بزرگ باشند بطوریکه قربانی بر اثر چند ضربه سنگ بمیرد، سنگها همچنین نباید بسیار کوچک باشند که هیچ زخم و دردی در شخص قربانی ایجاد نکند".

ننگین تر از عمل وحشیانه سنگسار اینست که معمولاً خانواده قربانیان، شامل کودکان توسط عمال جمهوری اسلامی مجبور میشوند که نظاره گر و شاهد سنگسار و مرگ عزیز خود باشند. خانمها و آقایان، سببیت و بربریت جمهوری اسلامی محدود به پدیده سنگسار نیست. تحت

روابط سیاسی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی باید قطع شود. احمدی نژاد و دیگر سران جنایتکار جمهوری اسلامی باید دستگیر شوند و بجرم سه دهه قتل عام و جنایت علیه بشریت در دادگاههای بین المللی باید محاکمه شوند.

احمدی نژاد يك تروریست است، تمام سران جمهوری اسلامی تروریست اند، بجای دعوت شدن به سازمان ملل باید دستگیر شوند. مرگ بر جمهوری اسلامی با تشکر از همه شما برای حضورتان در این تظاهرات*
توضیح: فروغ ارغوان، کادر حزب کمونیست کارگری از سخنرانان اصلی "دیوار شرم علیه احمدی نژاد" در مقابل سازمان ملل بود که سخنرانی را در این شماره میخوانید.

خواهد یافت بلکه مردم دنیا نیز از تحرکات تروریستی در خارج ایران که توسط جمهوری اسلامی حمایت و سازماندهی میشود، در امان خواهند بود.

خانمها و آقایان، تاریخ جمهوری اسلامی شامل يك لیست طولانی از قتل عام و جنایات مخوف است. احمدی نژاد و دیگر سران جمهوری اسلامی قاتل يك نسل هستند. احمدی نژاد و دیگر سران جمهوری اسلامی يك عده جنایتکارند که باید زنجیر زده شوند و به منظور تامین امنیت جامعه انسانی، از جامعه ایزوله شوند.

خانمها و آقایان، ما در کمیته بین المللی علیه سنگسار معتقدیم که آسیب و صدمه بر يك نفر آسیب و صدمه ایست بر تمام انسانیت. ما خواهان اخراج جمهوری اسلامی از جوامع بین المللی هستیم. تمام

اسلامی هیچوقت توسط مردم ایران انتخاب نشد. در حقیقت، خمینی با حمایت آمریکا و قدرتهای اروپایی برگزیده و بر سر حکومت نشاندند. هدف سیاسی حمایت آمریکا و قدرتهای اروپایی از خمینی همانا سرکوب انقلاب ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ بود، انقلابی که گرایش چپ بر آن غالب بود.

خانمها و آقایان، جمهوری اسلامی سه دهه از تهدید، ارباب و توحش را بر مردم اعمال کرده تا شاید بتواند مردم را وادار به رعایت قوانین ضد انسانی اسلامی کند، اما مردم ایران هیچوقت مرعوب نشدند و از مبارزه علیه موجودیت رژیم اسلامی از پای ننشسته اند. مردم ایران مصممند که رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و در این میان نه تنها زندگی ۷۰ میلیون نفر از مردم ایران نجات

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

لیست هشتم: جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ، ماهانه ۱۰۳۴۰ دلار

هدف سه ماهه: جمع آوری ۱۲ هزار دلار در ماه است!

لیست هشتم اسپانسورهای کانال جدید را به اطلاع میرسانیم. از همه دوستان عزیز که طی هفته گذشته اسپانسور شده و لیست اسامی و مبالغ کمک آنها در پایین آمده است، صمیمانه تشکر میکنیم. با کمک های شماس

که ادامه کاری صدای آزیخواهی و برابری طلبی، تربیون اعتراض مردم و ابزار سازماندهی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را میتوان تضمین کرد. ما هدف سه ماهه ای را در برابر خود قرار داده ایم و امیدواریم که تا

نیمه ماه نوامبر (اواخر آبانماه) میزان اسپانسورهای ماهانه را به ۱۲ هزار دلار در ماه برسانیم. نیازهای مالی کانال جدید و حزب بسیار فراتر از این مبلغ است اما جمع آوری همین میزان، چشم انداز ادامه کاری کانال جدید و

قدمهای بعدی این کمپین را روشنتر میکند. به اعتقاد ما تحقق هدف سه ماهه و در واقع گام اول کمپین اسپانسورگیری برای کانال جدید با حمایت و تلاش شما مردم شریف، شما دوستان و اعضا و فعالین حزب

شدنی است. بار دیگر از دوستانی که این هفته به صف حامیان مالی کانال جدید پیوستند تشکر میکنیم و صفوف حزب و همه انسانهای شریف و بینندگان کانال جدید را فرامیخوانیم تا فعالانه بیاری کانال جدید برخیزند

لیست هشتم کمک های مالی و اسپانسورهای جدید تلویزیون کانال جدید

اسپانسورهای جدید این هفته:

بهرام سروش	۵۰ پوند ماهانه
سعید اصلی	۵ یورو ماهانه
ناصر اصغری	۵۰ دلار ماهانه
فرزانه ساجدیور	۱۰۰ کرون ماهانه
غلام اکبری	۵۰۰ کرون ماهانه
گیتی آقا جانی	۵۰۰ کرون ماهانه
فریبرز پویا	۱۰ پوند ماهانه
مینا شیردل	۵۰ دلار ماهانه
حبیب بکتاش	۱۰۰ دلار ماهانه
بختیار میرزایی، ناصر آقاباشلو، حمید عبدالملکی جمعا	۲۰ یورو ماهانه

جمع اسپانسورهای این هفته

۵۱۵ دلار ماهانه

کمک به تلویزیون کانال جدید:

تشکیلات حزب در استکهلم	۲۰۰۰۰ کرون
محمود فرهادی	۲۵۰۰۰ تومان
جمع کمک این هفته معادل	۳۳۰۰ دلار

جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ: ماهانه ۱۰۳۴۰ دلار (مجموع کمکهای مالی به دوازده ماه سرشکن شده و به اسپانسورها اضافه شده است)

لازم به توضیح است که در دو ماه گذشته ۱۹۳ نفر، ۳۵ نفر از ایران و ۱۵۸ نفر از خارج کشور اسپانسور کانال جدید شده و یا به آن کمک مالی کرده اند.

شماره تلفن، آدرس تماس و شماره حساب برای کمک مالی به کانال جدید:

اگر از ایران تماس میگیرید:

شهرلا دانشفر: ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

Shahla_daneshfar@yahoo.com

اصغر کریمی: ۰۰۴۷۷۸۳۲۷۷۰۳۶

اگر از آمریکای شمالی تماس میگیرید:

شرق: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

fateh_bahrami@yahoo.com

غرب: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

اگر از اروپا و سایر کشورها تماس میگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@yahoo.com

حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

شماره حساب در برخی کشورها:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81

B I C : N W B K G B 2 L

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: 583657502

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

دردمند آمریکائی که میپرسد "چرا دولت به کسانی که ما را خانه خراب کرده اند جایزه میدهد"، و پیروزی میلیونها انسان له شده دیگر در زیر پای سرمایه جهانی نیز خواهد بود. به امید آرزو.*

جنبش ما در ایران گام بلندی در خدمت پیشروی جهانی کمونیسم کارگری خواهد بود. پیروزی مردمی که علیه آیت الله های میلیاردرد و برای بزرگ کشیدن حکومت اسلامی سرمایه در ایران مبارزه میکنند، پیروزی آن زن

گیری اجتماعی کمونیسم کارگری نیز فراهم ساخت و امروز با رسوائی نئو کنسرواتیسم زمینه اجتماعی رشد این جنبش بیشتر فراهم میشود.

حزب ما به سهم خود تلاش میکند در هر جای جهان که فعال است پرچم جنبش کمونیسم کارگری را بر افرازد و نیروهای مترقی و آزادیخواه و انساندوست را به دور پرچم سوسیالیسم انسانی کمونیسم کارگری گرد آورد. ما در عین حال معتقدیم که پیروزی

از صفحه ۲ بحران وال استریت و...

دار واقع بین باید افزود که سرمایه دار تنها تجلی انسانی ضروریات سرمایه است. سود آوری و انباشت هر چه بیشتر ضرورت کارکرد سرمایه است و همین ضرورت مدام نظم سرمایه را با بحران مواجه خواهد کرد. تا سیستم سرمایه داری هست بحران و گرانی و بیکاری قحطی و فلاکت خانه خرابی هم هست. دولت آمریکا ممکن است بتواند بحران وال استریت را از

سر بگذراند اما بیحقوقی و فقر و بیکاری و بی مسکنی در خود آمریکا و در سراسر جهان نه تنها حل نمیشود بلکه وخیم تر هم خواهد شد. راه حل نه دست بدست شدن قدرت در میان نیروها و احزاب بورژوائی، بلکه خلع ید سیاسی و اقتصادی از کل طبقه سرمایه دار است و این کار جنبش کمونیسم کارگری است. فروپاشی بلوک سرمایه داری دولتی بلوک شوروی راه را برای سوسیالیسم واقعی و قدرت

اعتراض به حضور احمدی نژاد در نیویورک گفتگو با بابک یزدی دبیر تشکیلات شرق کانادا



بابک یزدی

پیام ما انزوای رژیم، تحریم سیاسی و بستن سفارتخانه های رژیم بود.

انترناسیونال: استقبال مردم از

شعارها و پیامهای حزب چگونه بود؟

بابک یزدی: امسال بر خلاف

سالهای قبل تظاهرات ضد جنگ با

این روز مصادف نشده بود. ولی با

این حال سخنرانی افشاگرانه،

توضیحی و با محتوای جمشید

هادیان به انگلیسی و متفاوت بودن

شعارهای ما، متنوع و مختلف بودن

آنها با دیگر جریانها حاضر باعث

شد که در همان دقایق اول خیلی از

خبرگزاریها و مدیای حاضر در

صحنه با کادرها و فعالین ما در

صحنه مصاحبه کنند. خبرگزاری و

خبرنگارهای مختلفی با جمشید

هادیان، یدی محمودی، ایرج

رضایی، سعید صالحی نیا، سپهرداد

گرگین، جوان کریمی و از جمله خود

من مصاحبه کردند. در موقع پخش

اطلاعیه حزب خیلی ها به محض

دیدن تیتراژ انگلیسی اطلاعیه ما که

"احمدی نژاد جنایتکار است و باید

دستگیر و محاکمه شود" به رفقای

ما علامت حمایت، تایید و

پشتیبانی خود را نشان می دادند.

بخشی نظر ما را در مورد دو قطب

تروریستی می پرسیدند. بخشی در

مورد اینکه اگر آمریکا به ایران حمله

کند شما چه می کنید؟ آیا امیدی

برای کمونیست در ایران هست و...

سوال می کردند.

دانشجویان دانشگاه کلمبیا - که

سال قبل احمدی نژاد را دعوت به

سخنرانی کرده بود. در این روز فعال

بودند. دور کادرها و فعالین ما را

گرفته بودند و رفقای ما را حول

موضوعات مختلف سوال باران می

کردند.

انترناسیونال: با تشکر از شما

بابک یزدی: من هم متشکرم*

بشر است و در مبارزه علیه اعدام در مواردی با مینا احدی همکاری کرده است، اخیرا در مخالفت با اعدام کودکان فعال شده و تحت عنوان "دیوار شرم" اسامی اعدام شدگان زیادی را بر روی دیوار پشت صحنه نصب کرده بود و در اعتراض به حضور احمدی نژاد فراخوان دهنده دیگر بود. او از طیف های مختلف

سخنران دعوت کرده بود. یکی از سخنرانان نازنین کشیشی بود که در

اعتراض به اعدام و زندانی کردن مسیحیان ایران صحبت کرد. از

دیگر سخنرانان ایشان یک وکیل حقوق بشر، یک نماینده مجلس و

فعال حقوق بشر در کانادا، کیانوش

سنجری و احمد باطبی بودند. این

چند نفر به غیر از کشیش مذکور

بیشتر در چارچوب نقض حقوق بشر

در ایران از نظر خودشان صحبت

کردند. فروغ ارغوان نیز از طرف

کمیته بین المللی علیه اعدام و

کمپین علیه سنگسار سخنران دیگر

نازنین افشین جم بود. فروغ از طرف

نازنین به عنوان زندانی سیاسی

سابق، نماینده کمپین علیه سنگسار

و عضو حزب کمونیست کارگری

معرفی شد. فروغ رادیکالترین

سخنران آن جمع بود و شعارهای

مرگ بر جمهوری اسلامی را مردم

تنها در سخنرانی او بود که می

شنیدند. شعارهای ما بیشتر سیاسی

و سرنگونی کلیت نظام جمهوری

اسلامی بود ولی دو جریان دیگر

خیلی هم که رادیکال می شدند

شعارهای فردی و مرگ بر افراد یعنی

احمدی نژاد و خامنه ای را می دادند.

کنیم. از طرف دیگر تاکید داشتیم که نه فقط احمدی نژاد بلکه تمامی سران رژیم اسلامی نه تنها نماینده مردم ایران نیستند بلکه باید به جرم جنایت علیه بشریت و مردم ایران دستگیر و در دادگاههای بین المللی و در انتظار جهانیان محاکمه شوند. هدف ما افشاء و انزوای بیشتر رژیم اسلامی در راستای آفرینای جنوبییزه کردن این رژیم بود.

انترناسیونال: آیا تفاوتی در شعارها

و پلاکاردها و پیامهای حزب با دیگر

نیروهای سیاسی وجود داشت؟ این

تفاوتها چه ها بودند؟

بابک یزدی: هر سال سه جریان

مختلف یعنی مجاهدین، سلطنت

طلب ها و ما کمونیستها به آمدن

خاتمی و یا احمدی نژاد هر کدام به

سبک و شیوه خود اعتراض داشته

ایم. اما امسال، مجاهدین که قبلا

شعار "نه شاه، نه شیخ" را می دادند و

فعلا به نظر من خودشان مخلوطی و

معجونی از این دو شده اند، به سبک

و روال همیشگی با شعارها و

عکسهای مریم و مسعود رجوی آمده

و اعتراضشان به حکومت "ملاها"

بود و مثل همیشه به دنبال اسلام

"خوش خیم و دموکرات" خود بودند و

هیچ اعتراضی به سیستم و

مناسبات استثمار و سرمایه داری

حاکم نداشتند. بخشی از حمایت

کنندگان و سخنرانان آنها نیز از

مرتجعین مذهبی از نوع بودایی و

مسیحی بودند. خیلی هم که رادیکال

می شدند شعارهای مرگ بر احمدی

نژاد و یا خامنه ای سر می دادند نه

کلیت رژیم. سلطنت طلبها همانطور

که در داخل چندان حضور متشکلی

نداشته و خود را باخته اند در اینجا

هم امسال حضور مستقل و

متشکلی نداشتند.

نازنین افشین جم که فعال حقوق

از رفقا هنوز شهروند کانادا نیستند، تعدادی پاسپورت نداشتند و تعدادی اعتبار پاسپورتشان به سر آمده بود و از همه اینها مهمتر برای رفتن به آمریکا برای هر اتوموبیل بیش از پانصد دلار هزینه مالی باید متحمل میشدیم ولی هیچ کدام از این موارد مانعی برای سازماندهی این امر نشد. ما فراخوان حزب را در سطح وسیع در مدیای شهر در تورنتو پخش کردیم. همچنین چون در سمینار ۳ روزه ای که در مونترال برای سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی از ماهها پیش تدارک دیده شده بود، شرکت داشتم در آن جمع نیز اعلام کرده و در سطح وسیعی در آن سمینار فراخوان حزب پخش گردید. بنرها، شعارها و پلاکاردهایی نیز به همین مناسبت تدارک دیده شد. ۵۰۰ نسخه از این فراخوان را نیز که توسط جمشید هادیان ترجمه شده بود به خود نیویورک و جلوی سازمان ملل اختصاص دادیم. توانستیم بعضی از رفقای خود را نیز از دیگر شهرهای آمریکا با خود همراه و هماهنگ کنیم.

انترناسیونال: در سخنرانیها و

شعارهایتان روی چه مسائلی تمرکز

کردید؟ پیام و اهدافتان در این

اعتراض چه ها بودند؟

بابک یزدی: در وهله اول روی این

امر تاکید داشتیم که احمدی نژاد به

هیچ وجه نماینده مردم ایران نیست

بلکه او نماینده سه دهه جنایت،

کشتار، شکنجه، اعدام های دسته

جمعی، سنگسار، زن آزاری، کودک

آزاری، سازماندهی و حمایت کننده

تروریسم اسلامی در ایران و جهان و

بربریت این رژیم است. و ما هستیم

که سه دهه با این رژیم ترور و وحشت

مبارزه پیگیر داشته ایم و مردم

آزادخواه ایران را نمایندگی می

انترناسیونال: قبل از هر چیز خوانندگان انترناسیونال را در جریان فضای اعتراض در نیویورک در اعتراض علیه حضور احمدی نژاد قرار دهید.

بابک یزدی: تقریبا اعتراض به

حضور احمدی نژاد در نیویورک

عمومی شده بود. مردم آمریکا،

مخالفین رژیم اسلامی از راست و

چپ یعنی از مجاهد و سلطنت طلب

تا دیگران همه به حضور وی اعتراض

داشتند و آنجا جمع شده بودند. روز

قبل یعنی روز ۲۲ سپتامبر نیز دو

حزب اصلی آمریکا یعنی دموکرات

و جمهوریخواه نیز ظاهرا بر علیه

حضور احمدی نژاد اعتراض کرده

بودند. حضور ما در آنجا تنها

اعتراض از نوع دیگری را نشان

میداد که به خود احمدی نژاد تمام

نمی شد، بلکه کل سیستم و نظام

حاکم بر ایران را هدف قرار می داد و

نیز دو قطب تروریستی را افشا می

کرد.

انترناسیونال: نقش تشکیلات

کانادای حزب در این اعتراض چه

بود. شما چه کارهایی را در دستور

گذاشتید و چگونه در این اعتراض

نقش ایفا کردید؟

بابک یزدی: ما با اینکه نزدیک به

۱۰۰۰ کیلومتر با محل سازمان

ملل در نیویورک فاصله داریم و با در

نظر گرفتن مشکلات احتمالی عبور

از مرز حدود ۱۲ ساعت با نیویورک

فاصله داریم ولی باز هم از نظر

وسعت و بزرگی آمریکای شمالی

نزدیکترین تشکیلات حزب به

نیویورک هستیم. به همین دلیل بخش

سازماندهی و هماهنگی این امر را

حزب به عهده ما گذاشت. علیرغم

فاصله زیاد، مشکلات مالی، و

اینکه خیلی از رفقا برای رفتن به

آمریکا مشکل داشتند یعنی تعدادی

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و در سطح وسیع

توزیع کنید

**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org



صدای مردم در کانال جدید

توضیح: آنچه در زیر میخوانید فقط گوشه ای از سخنان مردم است که در تماس با برنامه های زنده کانال جدید مطرح کرده اند: گوشه ای از خشم و نفرت مردم از اسلام و حکومت اسلامی، تمایل مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، عطش مردم برای آزادی و برابری و رفاه و زندگی مدرن، نیاز مردم به رهبری رادیکال برای زیرو و رو کردن این نظام طبقاتی و رشد روز افزون اعتماد مردم به حزب کمونیست کارگری به عنوان تنها ابزار رهایی از جهنم سرمایه و اسلام، انترناسیونال

بیکار سازی و نداشتن امنیت شغلی برنامه ای از اصغر کریمی

دیگر نمیگذاریم اوضاع این جوری ادامه داشته باشد

سلام آقای کریمی. من از دست این دولت خیلی شاکم. کارمند رسمی دولت بودم و بعد از سه سال بدون هیچ بیمه و تامينی اخراج کرده اند. دلیلشان هم این بوده که قرار داد شما ۴۵ روزه است حتی آخرین حقوقم را هم کامل نداده اند. کلا در منطقه و شهر ما بیکاری بیداد میکند و مسئول همه این کار دولت جمهوری اسلامی است و تمام و فکر و ذکرش باید مردم و جوانان باشد. اگر اوضاع اینجور ادامه داشته باشد دیگر نمیگذاریم وضع اینجور باقی بماند. اینها برای من که يك جوان ۲۵ ساله ام هیچ امیدی برای ازدواج و تشکیل خانواده و امنیت شغلی و اجتماعی باقی نگذاشته اند.

جوانی از ایران

آخر این چه نوع زندگی است؟

من از دولت انتظار دارم که بفکر ما جوانان باشد و کاری برای ما فراهم کند. من جوان ۳۰ ساله ای هستم و هنوز ازدواج نکرده ام و اگر کار و بیکاری همینجور پیش برود طبعاً تا ۴۰ سالگی هم نخواهم توانست ازدواج کنم. آیا من تا آخر عمرم باید همینجور بیکار بمانم تازه فوق دیپلم هم هستم. آخه این چه نوع زندگی است و تا کی باید این وضع را تحمل کنیم؟ من مطمئنم که این دولت

این روزها را به امید کانال جدید بزودی خواهیم دید

من از شما تشکر میکنم و سلام دارم به همه تان که مردم را روشن میکنید. آخه کارگر جماعت چکار کند والله میترسد که بیرونش کنند و این چندرغاز دستمزد و کارش را هم از دست بدهد و این رژیم جنایتکار بیکاری را مثل يك بختک بجان مردم انداخته و دارد کلان کلان سودش را میبرد و گرنه همین کارگران و همین مردم کوچکترین نور امیدی پیدا کنند فوراً متحد میشوند و ما این روزها را به امید شما و کانال جدید بزودی خواهیم دید. مردم روشن هستند و دارند میبینند که شما چی میگویید و آماده اتحاد هستند. دست تان درد نکند.

زنی از ایران

امیدمان به شماست

آقای کریمی سلام. از وقتی که با برنامه شما آشنا شده ام خدا شاهد است که با دوستانمان امیدوار شده ایم که بتوانیم در کنار شما يك زندگی درستی داشته باشیم. زمانی که دور هم با دوستانمان جمع میشویم یکی از دوستان که مخ ما است میگوید که برویم دانه به دانه اینها را گیرشان بیاریم و بکشیمشان. همه از دست این رژیم ناله میکنیم. من دارم بچه دار میشوم و با موتورم مسافر کشی میکنم تا شاید جواب برخی نیازهای خانواده را بدهم. میروم به اداره کار که خودم را بیمه بکنم میگویند بیا با ماهی صد و هشتاد هزار تومان خودت را بیمه کن. امیدمان بشماست. مردی از تهران

فکرمان فقط به همراهی شماست

الو سلام. آقای کریمی آخه اگر در محیط کار اتحاد بین ما کارگران نباشد کاری نمیتوانیم بکنیم و اگر تشکلی سازمانی نباشد کاری از پیش نمیشود برد. من و دوستانمان همگی میگوییم که آب به جوش رسیده و دیگر تحمل نداریم. مشکلات کاری و بیکاری و گرانی از یکطرف که داریم با آن دست و پنجه نرم میکنیم و از اینطرف هم دیرروز خانم را بخاطر وضع روسری گرفته اند و برده اند کمیته انتظامات! من دارم به اون نگاه میکنم و اون دارد به من نگاه میکند و همه بهم نگاه میکنند که یکی چراغ سیزی بدهد و همه بلند شوند و کاری بکنیم. فکرمان فقط به همراهی شماست.

کارگری از ایران

ما آماده ایم

من يك کارگر برق کارم و در ساعات بیکاریم دارم شعر نویسی میکنم و در و دیوار را با مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری پر میکنم. دوستان دیگر هم همینکار را میکنند منتها راه کار دیگری هم به ما بگویند. ما آماده ایم و با همین اتحاد و همراهی شما باید اینها را بیاندازیم.

کارگری برقکار از ایران

ما رهبر داریم

آقای کریمی سلام. ما ۲۰ نفر هستیم و کار بسیار سخت مرغداری را قبول کرده ایم و دویست هزار تومان دستمزد میگیریم و من خودم دویست هزار تومان هم اجاره میدهم! من از تمام کارگران ایران میخواهم که همه دست بدست هم بدهند و صدای اعتراضشان را بلند بکنند و مثل کارگران سنندج که صدای اعتراض همه شان بلند شده متحد شوند و این وضع را پایان دهیم. ما رهبر داریم و باید بریزیم به خیابان و با اتحاد و همدلی اعتراض کنیم. ما همه میدانیم که هیچ زن و جوان و زحمتکشی این حکومت را نمیخواهد. هم سن و سالان من حتماً بخاطر دارند که با همین اتحاد بود که رژیم شاه را برکنار کردیم و الان نفرت و بدبختیهای مردم بسیار بیشتر از آزمان شده و میتوانیم این حکومت را بیاندازیم و الان وقتش رسیده است. زنده باد حزب کمونیست کارگری. مرگ بر جمهوری اسلامی. کارگری از سنندج

چه جوری این رژیم را بیاندازیم

سلام آقای کریمی. ما همه بیکاریم و هیچ درامدی هم نداریم اما اولین مشکل ما اینست که این رژیم را بیاندازیم و آنوقت گره مشکلات ما يك يك باز میشود اما ما نیاز داریم که بما بگویند که چه جوری بیاندازیم. قربان شما.

يك بیکار از ایران

يك دست صدا ندارد

آقای کریمی سلام. یکدست صدا ندارد و باید همه باهم همکاری کنند و کار این رژیم را تمام کنیم و گرنه هرروز بدتر و بدبخت تر خواهیم شد. دست شما درد نکند از این برنامه ها.

جوانی از ایران

دخالت مذهب در زندگی مردم ممنوع برنامه ای از کیوان جاوید

دولت نباید در زندگی خصوصی مردم دخالت کند

سلام آقا کیوان. اول میخواستم در جواب این آقایی که میگفتند ۹۰ درصد مردم مسلمانند بگویم که اگر بروید از خود این مردمی که فکر میکنند مسلمانند پرسید میبینید که خودشان میدانند که مذهب چی هست و اسلام چی هست. ما از این اسلام بغیر از قتل و غارت و کشتار و زن ستیزی و کودک ستیزی چیزی ندیده ایم و مذهب همه جا همین بوده و مگر چه دینهای دیگری بما ارائه شده که تازه ببینیم اسلام چی هست چی نیست! ما از شکم مادر که متولد شدیم بما گفتند اسلامی هستی و رسم و رسوم اسلام را از تولد تا مرگ برای ما تحمیل کرده اند. حالا این از دین و مذهب و اما بیاییم سر دولت که اساساً دولت نباید در زندگی خصوصی مردم دخالت بکند ولی اکثر مردم میدانند که جمهوری اسلامی از همین مذهب بعنوان ابزار استفاده میکند برای سرکوب همین مردم.

يك زن جوان

هیچ دولتی حق ندارد به مردم بگوید چه بخور و چه بپوش و ...

سلام آقا کیوان. اصلاً هیچ دولتی حق ندارد که به مردم بگوید که چی بخور و چی بپوش و کجا برو و با کی ازدواج کن. آخه به کسی چه مربوطه که کدام پسر با کدام دختر میخواهد دوست شود و ازدواج کند و در کجا راه برود و چه جور راه برود! اینها با ابزار مذهب اختیار زندگی را از مردم گرفته اند. از طرفی هم کلی از کار و تولید مردم بهره میبرند بدون اینکه حداقل حقوق و آزادی را در اختیار جامعه بگذارند.

اساساً هیچ دولتی چه مذهبی چه غیر مذهبی حق ندارد که در زندگی خصوصی مردم دخالت کند ولی باید هم مذهب از کل زندگی جارو شود و هم جمهوری اسلامی باید جارو شود ولی متأسفانه شما کمی کم کاری میکنید و اسلام را نمیشناسید

تظاهرات در مقابل حضور احمدی نژاد در سازمان ملل

امروز سه شنبه ۲۳ سپتامبر همزمان با حضور احمدی نژاد در نیویورک که برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل به آنجا سفر کرده است، اعتراضات متعددی علیه جمهوری اسلامی برگزار شد. در یکی از این میتینگ های اعتراضی که به ابتکار حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد، فعالین حزب با ایراد سخنرانی های افشاگرانه علیه رژیم اسلامی، دایر کردن نمایشگاهی از جنایات جمهوری اسلامی و همچنین

برافراشتن باندرلهائی که بر روی آنها شعارهایی علیه رژیم جنایتکار اسلامی نوشته شده بود، توجه مردم و رسانه ها را به خود جلب کردند. در این میتینگ صدها اطلاعیه حزب به زبان انگلیسی با عنوان "احمدی نژاد جنایتکار است، باید زندانی و محاکمه شود" در میان مردم پخش شد و فعالین حزب با خبرنگاران درباره جنایات رژیم و مبارزات بخش های مختلف مردم برای بزرگ کردن این رژیم مصاحبه کردند.

از سوی دیگر در تظاهرات دیگری که به ابتکار نازنین افشین جم تحت عنوان "دیوار شرم برای احمدی نژاد" برپا شده بود، فروغ ارغوان از کادرهای حزب کمونیست کارگری به نمایندگی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام سحرانی پرشوری کرد که چندین بار مورد تشویق حاضرین قرار گرفت. فروغ ارغوان به لیست طولانی جنایات جمهوری اسلامی اشاره کرد و کیفرخواست مردم پیاخاسته ایران علیه رژیم

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها: انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با

شماره تلفن

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

بکنند. از طرفی هم کودکان را جزوی از مالکیت خانواده حساب کرده اند و با این شیوه ها دارند حکومت میکنند. در واقع با ابزار مذهب این حکومت سعی کرده که اعتماد بنفوس مردم را از دست بگیرد و مردم را حواله بدهد به آن دنیا تا آیت الله های میلیاردی بتوانند با خیال راحت و با کمترین اعتصاب و اعتراض مردم جامعه را بچاپند تا اگر هزینه پوست هندوانه دو روز اسبهایشان بیشتر از حقوق ماهانه یک کارگر میشود کسی نتواند مزاحشان شود.

یک فعال کارگری*

این مطلب را هادی وقعی
پیاده و تایپ کرده است.

بی حقوقی در حق کسانی که مذهب شخصیشان را دارند نخواهد شد.
مردی از ایران

مردم را به آن دنیا حواله میدهند تا آیت الله های میلیاردی با خیال راحت بچاپند
سلام. اگر مذهب بعنوان مذهب شخصی آدمها تلقی شود اشکال ندارد اما الان در دوره ای که ما زندگی میکنیم مذهب یک سیاست و یک روش اداره جامعه است. ببینید بر اساس اصول قرآن گفته شده که زن و مرد برابر نیستند و زن باید حجاب داشته باشد و با همین اصول نیمی از جامعه را مورد سرکوب بیشتری قرار داده و میخواهند که حذفش

از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید ...

سرکوب نخواهد بود
رامین از ایران

وگرنه مردم از روی نادانی دنبال اسلام رفته اند.
جویانی از ایران

هم باید این رژیم را برانداخت و هم باید مذهب زدایی کرد

آقای جاوید سلام. اولاً این رژیم کاری کرده که مذهب در تمامی شئون زندگی دخالت دارد و قایم شده پشت مذهب دارد مردم را میچاپد و با جنایاتش مردم را میترساند و عمر میکند. هم باید ابزار جنایت را از دست حکومت گرفت یعنی برانداخت و هم باید مذهب زدایی کرد. در عین حال حرف دوست قبلی را هم قبول دارم که فردا در یک جامعه سوسیالیستی هیچ ظلم و ستم و

یک انسانگرایی قوی در دل جامعه ایران

کیوان جان سلام. بنظر من مردم و جامعه ایران خواهان جدایی دولت از مذهب و آموزش و پرورش و همه زندگی اجتماعی است ولی یک اندیشه انسانگرایی قوی هم در دل جامعه ایران هست که خواهان رشد و پرورش ارزشهای انسانی هم هست و فردا در جامعه سوسیالیستی آزادی مذهب شخصی مردم را نخواهند گرفت و بازداشت و زندان و اعدام و



سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.international.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

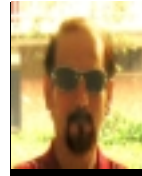
127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم
و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

در حاشیه رویدادها

محمد رضا پویا



سفر احمدی نژاد به آمریکا: تمایل به سازش در پی دیپلماسی جنگی

سفر احمدی نژاد به نیویورک برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل، بار دیگر مسله اتمی و روابط جمهوری اسلامی با آمریکا را به صدر اخبار آورده است. روند کشمکشهای ماه های اخیر نشان می دهد که صرف نظر از تهدیدات و استفاده از "دیپلماسی جنگی"، هر دو طرف دعوا تمایل به سازش و کنار آمدن دارند. این در واقع ترند حاکم بر سیکل تهدید-مذاکره مابین طرفین بوده است.

احمدی نژاد در کنفرانس مطبوعاتی در نیویورک، رجز خوانی های نظامی را کنار گذاشت و تمایل جمهوری اسلامی برای نزدیکی به آمریکا را علنا بیان نمود. وی گفت که: "من در این ارتباط قدم هایی برداشته ام، نامه ای برای بوش نوشتم و اعلام آمادگی کردم در سازمان ملل با وی گفتگو کنم، ما در قضیه عراق به تقاضای دولت آمریکا پاسخ مثبت دادیم و با آنها مذاکره کردیم" و افزود اکنون نوبت دولت آمریکاست. در کنار این اظهارات، هفته پیش، مادلین آلبرایت، کالین پاول، وارن کریستوفر، جیمز بیکر و هنری کیسنجر، پنج وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحد آمریکا (دو وزیر دمکرات و سه وزیر

جمهوریخواه) در نشستهای دانشگاه جرج تاون واشینگتن، به دولت آمریکا توصیه کردند با جمهوری اسلامی وارد گفتگو شود.

اما به سرانجام رساندن این پروسه دیگر تماما در اختیار طرفین این منازعه سیاسی نیست. علاوه بر عوامل تاکتونی، جنگ گرجستان تاثیر بلا واسطه ای بر تقابلات دو قطب تروریستی، گذاشته است. قلدر منشی روسیه در جنگ گرجستان مستقیما بر متن بن بست سیاستهای "نظم نوینی" آمریکا و ناتو در خاورمیانه، میسر گردیده است. عدم موفقیت آمریکا در تثبیت دول دست ساز خود در عراق و افغانستان و ادامه جنگ این قطب تروریستی با تروریسم اسلامی، توانایی کل کمپ غرب برای یک مقابله جدی با روسیه در قبال مسله گرجستان را با علامت سوال روبرو ساخت. عکس العمل ضعیف آمریکا در این مناقشه نشان داد که مخصصه سیاسی خاورمیانه و بالخص جنگ در عراق و افغانستان امکان مانور بیشتر و حتی امکان دفاع از هم پیمانان مستقیم را از آمریکا گرفته است. منازعات غرب با روسیه بر سر بحران منطقه قفقاز، موجب گردید روسیه از همراهی دول غربی بر سر بحران اتمی رژیم اسلامی، صرف نظر کند. این شکاف سیاسی، فرجهایی را برای رژیم اسلامی فراهم آورده است تا بتواند از قبل آن، مدتی از دادن پاسخ صریح در مورد مسله اتمی خود به دول غربی سر باز زند. در کنار این "شانس" باد آورده، رژیم اسلامی با کمکهای تسلیحاتی و مالی خود به

طالبان و القاعده جنگ را از کابل به قلب اسلام آباد پاکستان کشانده است. جمهوری اسلامی تلاش میکند با سود جستن از این مجموعه شرایط با موضع قوی تری بر سر میز مذاکره با آمریکا بنشیند. اما از جانب دیگر، پس از بحران اخیر لبنان، دولت آمریکا توانسته است با خنثی کردن هم پیمانان رژیم اسلامی، آنرا در سطح منطقه به انزوا بکشد. پس از یکصد شدن دول منطقه خلیج بر علیه طرح اتمی جمهوری اسلامی، مذاکرات اسرائیل با سوریه و حماس، افزایش قدرت نیروهای پرو غرب در لبنان و فاصله گرفتن دولت عراق از رژیم اسلامی، توان و امکان رژیم برای استفاده از بالهای تروریستی خود در منطقه با مشکلات بزرگی روبرو شده است. اما این تمام تصویر نیست. "کابوس" بزرگ رژیم اسلامی اینها نیستند. آن نیرویی که موجب گردیده کل پروسه سازش و یا جنگ دولت آمریکا و حکومت اسلامی به بن بست کشیده شود، جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران است. امروز وقوع هیچکدام از سناریو های موجود، دیگر تنها به تمایل طرفین بستگی ندارد. این منازعه یک طرف سوم و یک مدعی پر قدرت دیگری نیز دارد که آنهم مردم ایران هستند. نزدیکی جمهوری اسلامی به آمریکا در همان پله اول در گرو قطع حمایت رژیم از گروه های تروریستی اسلامی در خاورمیانه و توقف غنی سازی اورانیوم می باشد. قدم برداشتن در این عرصه، زلزله در ساختار سیاسی رژیم اسلامی ایجاد خواهد کرد. رژیمی که با هویت سیاسی اسلام ضد آمریکایی پا گرفته و با همین شمایل سه دهه سرکوب و کشتار را در جامعه سازمان داده است، با تغییر ریل و برگزیدن اسلام کزازی و مالکی، حتی یکروز هم دوام نخواهد

آورد. مردم در کمین رژیم اسلامی نشسته اند. آمریکا تمایلی به گشودن یک جبهه جنگی دیگر ندارد و رژیم اسلامی در پس سازش و عقب نشینی، سقوط خود را می بیند. یک بن بست کامل و تمام عیار. تنها سقوط جمهوری اسلامی می تواند مردم جهان را از ماشین قتل و جنایت اسلام سیاسی برهاند.

بازگشایی مدارس، خرافات ممنوع

فصل تابستان به اتمام رسید و کودکان ها به مدرسه بازگشتند. میلیونها کودک در سراسر ایران بر متن یک بحران و ورشکستگی عمیق اقتصادی، گرسنه و یا برهنه پا به کلاس درس گذاشتند. مدارس فرسوده، کلاسهای شلوغ، معلمان بی تامین و رخسار زرد دانش آموزان که از سوء تغذیه رنج می برند، چهره نمای آموزش و پرورش رژیم اسلامی است. اما نه، این تصویر هنوز گویا نیست. هنوز همه آن رنج و مشقت تحمیل شده بر کودکان و نوجوانان در مدارس را منعکس نمیکنند. رژیم اسلامی در کنار حاکم کردن گرسنگی بی حد و حصر، روزانه با رواج خرافات اسلامی در مدارس، روح و روان این انسانهای کم سن و سال را آزار میدهد. بجای ترویج علم و بهره گیری از آخرین دستاوردهای علمی جامعه بشری، تراوشات ذهن بیمار خمینی و محمد باقر مجلسی را به خورد دانش آموزان میدهند. بجای فراهم نمودن امکانات ورزشی و هنری، با تدریس تعلیمات دینی، خشونت اسلامی و بی ارزشی انسان را تعلیم میدهند. تعدادی از بیماران فیضیه قم را در آموزش و پرورش

مسئول تنظیم کتب درسی کرده اند تا هر آنچه خود در مدارس قرون وسطایی قم و مشهد فرا گرفته اند به اسم علم و هنر به میلیونها کودک و نوجوان تحمیل نمایند. آموزش اسلامی و مذهبی تحت حاکمیت رژیم اسلامی زندگی چند نسل در این کشور را به تباهی کشانده است. آموزش خرافه قرآن و احادیث اسلامی دنیای شاد و پر تلاش کودکان را با خشونت و خرافه آلوده ساخته است. اینرا باید در ردیف جنایت علیه بشریت به شمار آورد. مبارزه با ویروس مذهب تنها با بر انداختن رژیم اسلامی میسر است. تنها با پایین کشیدن جمهوری اسلامی، میلیونها کودک از دنیای سیاه آموزش مذهبی رها میشوند. دست مذهب را باید از آموزش و پرورش قطع نمود. باید به این تجاوز سازمان یافته بر علیه زندگی کودکان این کشور پایان داد. آموزش مذهبی در مدارس باید ممنوع شود. تدریس سنن عقب مانده اسلامی، خود آزاری و دیگر آزاری مذهبی ممنوع و جرم باید اعلام شود. باید برای همیشه هیولای اسلام را از جامعه بیرون انداخت. نباید اجازه داد با "خصوصی" سازی مذهب و در چهار دیواری خانه با تحمیل آموزه های مذهبی به کودکان، زندگی شاد آنها را تخریب نمود. کودکان بی مذهبند. پس از سی سال جنایات دار و دسته های اسلامی رژیم و بر ملا شدن انحطاط و ارتجاع نهفته در اسلام، مردم آماده تصفیه حساب نهایی با مذهب می باشند. جامعه نیازمند یک مذهب زدایی عمیق و بنیانی می باشد. پیش شرط رسیدن به چنین هدفی، سرنگونی جمهوری اسلامی می باشد. حزب کمونیست کارگری تامین ملزومات برای ریشه کن کردن مذهب از جامعه را، تضمین می کند. *

سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض

از طریق سایتهای زیر به کتاب
یک دنیای بهتر
می توانید دسترسی پیدا کنید.
www.wpiran.org
آرشو عمومی منصور حکمت
www.hekmat.public-archive.net



یک دنیای
بتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید